دوشنبه 29/5/1403-14صفر 1446- 19اوت 2024 – درس 186فقه توان مندسازی – احکام توان پذیران – حکم اعراض از توان پذیری .

مساله : اعراض از دوره های توان بخشی مجازات بازدارنده را در پی دارد .

شرح مساله : معلوم شد که توان پذیری تخصصی واجب و اعراض و استنکاف از آن حرام است آیا این استنکاف عقوبت هم دارد ؟ در نوبت قبل لزوم عقوبت[[1]](#footnote-1) را به حکم عقل و وحی استنباط نمودیم آیه 124طه "اعراض از ذکرالله " را مستلزم "معیشت ضنک" [[2]](#footnote-2)اظهار نمود و استظهار نمودیم . بر این مبنا و معنا که اعراض از هر تکلیف و مسئولیتی اعراض از ذکر الله است[[3]](#footnote-3) و این " معیشت ضنک" شامل هر نوع مجازات مادی و مالی چنین اعراضی است و برخی کسب حرام را مصداق آن دانسته اند[[4]](#footnote-4) در روایتی عذاب قبر را مصداق معیشت ضنک شمرده شده است[[5]](#footnote-5). این آیه شریفه یک قاعده فقهیه عامه است که بر مانحن فیه قابل تطبیق است . بویژه که امام صادق ع در خبر معتبر اعراض از ولایت امیر المومنین ع را مصداق اعراض از ذکرالله میدانند[[6]](#footnote-6) که کاملا اداری است و بر مطلوب ادل است زیرا هر نوع اعراض سازمانی را شامی میشود که در راستای سازمان علوی اقامه شده است فافهم. در بعض اخبار به گونه تهدید مند اعراض از پذیرش توان و تکلیف را باعث استبدال سعه به ضنک میداند که شامل نوعی مجازات سازمانی هم میشود که تنزل رتبه اداری از آن جمله است فتامل [[7]](#footnote-7)

نظیر این این قاعده فقهیه وحیانیه آیات ذیل آست :

يونس : 13 وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ وَ ما كانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمينَ

الأحقاف : 25 تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْ‏ءٍ بِأَمْرِ رَبِّها فَأَصْبَحُوا لا يُرى‏ إِلاَّ مَساكِنُهُمْ كَذلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمينَ

طه : 127 وَ كَذلِكَ نَجْزي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآياتِ رَبِّهِ وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقى‏

و اين گونه جزا مى‏دهيم كسى را كه اسراف كند، و به آيات پروردگارش ايمان نياورد! و عذاب آخرت، شديدتر و پايدارتر است! (127[[8]](#footnote-8)

الأنفال : 16 وَ مَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاَّ مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَيِّزاً إِلى‏ فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ

و هر كس در آن هنگام به آنها پشت كند- مگر آنكه هدفش كناره‏گيرى از ميدان براى حمله مجدد، و يا به قصد پيوستن به گروهى (از مجاهدان) بوده باشد- (چنين كسى) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جايگاه او جهنم، و چه بد جايگاهى است! (16)[[9]](#footnote-9)

البقرة : 114 وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ وَ سَعى‏ في‏ خَرابِها أُولئِكَ ما كانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوها إِلاَّ خائِفينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيمٌ

كيست ستمكارتر از آن كس كه از بردن نام خدا در مساجد او جلوگيرى كرد و سعى در ويرانى آنها نمود؟! شايسته نيست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد اين (كانونهاى عبادت) شوند. بهره آنها در دنيا (فقط) رسوايى است و در سراى ديگر، عذاب عظيم (الهى)!! (114)[[10]](#footnote-10)

السجدة : 22 وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآياتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْها إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمينَ مُنْتَقِمُونَ

چه كسى ستمكارتر است از آن كس كه آيات پروردگارش به او يادآورى شده و او از آن اعراض كرده است؟! مسلّماً ما از مجرمان انتقام خواهيم گرفت! (22)[[11]](#footnote-11)

الصف : 7 وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى‏ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُوَ يُدْعى‏ إِلَى الْإِسْلامِ وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمينَ

چه كسى ظالمتر است از آن كس كه بر خدا دروغ بسته در حالى كه دعوت به اسلام مى‏شود؟! خداوند گروه ستمكاران را هدايت نمى‏كند! (7)[[12]](#footnote-12)

الأعراف : 146 سَأَصْرِفُ عَنْ آياتِيَ الَّذينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لا يُؤْمِنُوا بِها وَ إِنْ يَرَوْا سَبيلَ الرُّشْدِ لا يَتَّخِذُوهُ سَبيلاً وَ إِنْ يَرَوْا سَبيلَ الغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبيلاً ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ كانُوا عَنْها غافِلينَ

بزودى كسانى را كه در روى زمين بناحق تكبّر مى‏ورزند، از (ايمان به) آيات خود، منصرف مى‏سازم! آنها چنانند كه اگر هر آيه و نشانه‏اى را ببينند، به آن ايمان نمى‏آورند؛ اگر راه هدايت را ببينند، آن را راه خود انتخاب نمى‏كنند؛ و اگر طريق گمراهى را ببينند، آن را راه خود انتخاب مى‏كنند! (همه اينها) بخاطر آن است كه آيات ما را تكذيب كردند، و از آن غافل بودند! (146)[[13]](#footnote-13)

اقول: مضمون کلیه آیات قاعده مند فوق ظاهرند در این که هیچ تخلف ،ظلم ،تکبر،اعراض از دعوت و.... نیست مگر این که مجازاتی دنیوی علاوه بر اخروی را در پی دارد و قاعده ای که بر مانحن فیه هم تطبیق دارد و اعراض و استنکاف از توان پذیری را با جرائم مادی و معنوی روبرو می سازد والله العالم.

1. تحف العقول / النص / 296 / و روي عنه ع في قصار هذه المعاني ..... ص : 292

   وَ قَالَ ع‏ إِنَّ لِلَّهِ عُقُوبَاتٍ فِي الْقُلُوبِ وَ الْأَبْدَانِ ضَنْكٌ‏ فِي الْمَعِيشَةِ وَ وَهْنٌ فِي الْعِبَادَةِ وَ مَا ضُرِبَ عَبْدٌ بِعُقُوبَةٍ أَعْظَمَ مِنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ.

   **الأمالي (للطوسي) ؛ النص ؛ ص28**

   وَ إِنَّ الْمَعِيشَةَ الضَّنْكَ‏ الَّتِي حَذَّرَ اللَّهُ مِنْهَا عَدُوَّهُ عَذَابُ الْقَبْرِ، إِنَّهُ يُسَلِّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِي قَبْرِهِ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ تِنِّيناً، فَيَنْهَشْنَ لَحْمَهُ، وَ يَكْسِرْنَ عَظْمَهُ، وَ يَتَرَدَّدْنَ عَلَيْهِ كَذَلِكَ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُ، لَوْ أَنَّ تِنِّيناً مِنْهَا نَفَخَ فِي الْأَرْضِ لَمْ تُنْبِتْ زَرْعاً أَبَداً.

   **الأمالي (للطوسي) ؛ النص ؛ ص28**لتنّين: الحيّة العظيمة

   پیغمبر (ص) مردم را جمع کرد، فرمود: معیشت ضنک را فهمیدید که چیست؟ گفتند: نه.فرمود: معیشت ضنک را من مى‏بینم، دیده‏ام را براى شما بگویم؟ گفتند: بفرمایید.

   فرمودند: نود و نه مار هست که هر مار نُه سر دارد و این مارها سه کار مى‏کنند؛ خدش، لسع، نفخ.

   به محض این که بریده از خدا را وارد عالم بعد کردند، این نود و نه مار که هر کدام نُه سر دارند او را محاصره مى‏کنند،

   « إِلَى یَوْمِ یُبْعَثُونَ »

   تا روز قیامت هم او را مى‏گزند. هم فشار شدید به او مى‏آورند و هم مرتب با دهانشان فوتى مى‏کنند که قابل مقایسه با طوفان‏هاى دنیا نیست. من آنچه را که مى‏بینم مى‏گویم.

   این معیشت ضنک است، آن نود و نه مار ساخت خدا نیست، بلکه ساخت خود انسان است، با اعراض از ذکر، با گناه. [↑](#footnote-ref-1)
2. [اعراض](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D8%B6) از [ذکر خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B0%DA%A9%D8%B1_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) یعنی هنگامی که انسان مسؤولیت‌هایش را به دنبال فراموش‌کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد، غرق در [شهوات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%AA) و حرص و [طمع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%85%D8%B9) می‌گردد، پیداست، که نصیب او [معیشت ضنک](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%B4%D8%AA_%D8%B6%D9%86%DA%A9) خواهد بود، نه قناعتی که جان او را پر کند، نه توجّه به معنویت که به او غنای روحی دهد، و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان [شهوات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%AA) باز دارد. [↑](#footnote-ref-2)
3. [اعراض](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D8%B6" \o "اعراض" \t "_blank) از [ذکر خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B0%DA%A9%D8%B1_%D8%AE%D8%AF%D8%A7" \o "ذکر خدا" \t "_blank) یعنی هنگامی که انسان مسؤولیت‌هایش را به دنبال فراموش‌کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد، غرق در [شهوات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%AA" \o "شهوات" \t "_blank) و حرص و [طمع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%85%D8%B9" \o "طمع" \t "_blank) می‌گردد، پیداست، که نصیب او [معیشت ضنک](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%B4%D8%AA_%D8%B6%D9%86%DA%A9" \o "معیشت ضنک (پیوندی وجود ندارد)) خواهد بود، نه قناعتی که جان او را پر کند، نه توجّه به معنویت که به او غنای روحی دهد، و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان [شهوات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%AA) باز دارد.(ویکی فقه به نقل از تفسیر نمونه) [↑](#footnote-ref-3)
4. خداوند در سوره طه آیه 124 مى فرمايد: (هر كس از ياد من روى گردان شود زندگى سخت و تنگى خواهد داشت، و روز قيامت او را نابينا محشور مى كنيم)؛ «وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرى فَاِنَّ لَهُ مَعيْشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ اَعْمى».  
   جمعى از مفسّران يا ارباب لغت، «معيشت ضنك» را به زندگى و درآمدهاى حاصل از كسب حرام تفسير كرده اند، چرا كه چنين زندگى سرچشمه ناراحتيهاى فراوان است.  
   و به گفته بعضى ديگر از مفسّران، افراد بى ايمان معمولا داراى حرص شديد، و عطش مادّى پايان ناپذير و بيم از فناى نعمتها و غلبه بخل بر آنها و صفات نكوهيده ديگرى از اين قبيل هستند كه آنها را در جهنّمى سوزان ـ على رغم امكانات گسترده مادّى ـ فرو مى برد.  
   نابينايى آنها در قيامت نيز نتيجه يا تجسّمى از نابينايى آنها در دنيا است كه چشم بر هم نهادند و راه حقّ و سعادت را نديدند، و در ظلمات شهوات مادّى فرو رفتند.[(1)](https://aeene-rahmat.ir/fa/article/index/341555/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%C2%AB%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%B4%D8%AA-%D8%B6%D9%86%DA%A9%C2%BB" \l "16278454_2) [(1). گرد آوری از: اخلاق در قرآن‏، آيت الله العظمى ناصر مكارم شيرازى، مدرسه الامام على بن ابى طالب(ع)، قم، چاپ اول، 1377 ه. ش‏، ج 1، ص 56.](https://aeene-rahmat.ir/fa/article/index/341555/%D9%85%D9%86%D8%B8%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%C2%AB%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%B4%D8%AA-%D8%B6%D9%86%DA%A9%C2%BB#16278454) [↑](#footnote-ref-4)
5. تفسير الصافي / ج‏3 / 326 / [سورة طه(20): آية 127] ..... ص : 326

   وَ كَذلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآياتِ رَبِّهِ‏ في الكافي عن الصادق عليه السلام يعني من أشرك بولاية امير المؤمنين عليه السلام غيره‏ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآياتِ رَبِّهِ‏ ترك الأئمّة معاندة فلم يتّبع اثارهم و لم يتولّهم‏ وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقى‏ من ضنك‏ العيش و من العمى. [↑](#footnote-ref-5)
6. در روایات اسلامی میخوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند منظور از آیه من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا چیست؟

   فرمود: اعراض از ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است(نورالثقلین جلد 3 صفحه 405)

   تفسير الصافي / ج‏3 / 326 / [سورة طه(20): آية 127] ..... ص : 326

   وَ كَذلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآياتِ رَبِّهِ‏ في الكافي عن الصادق عليه السلام يعني من أشرك بولاية امير المؤمنين عليه السلام غيره‏ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآياتِ رَبِّهِ‏ ترك الأئمّة معاندة فلم يتّبع اثارهم و لم يتولّهم‏ وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقى‏ من ضنك‏ العيش و من العمى.

   آری آنکس که الگوی خود را از زندگی علی بگیرد همان ابرمردی که تمام دنیا در نظرش از یک برگ درخت کم ارزشتر بود آنچنان به خدا دل ببندد که جهان در نظرش کوچک گردد، او هر کس باشد، زندگی گشاده و وسیعی خواهد داشت، اما آنها که این الگوها را فراموش کنند در هر شرائط گرفتار معیشت ضنک هستند.(تفسیر نمونه ج13 ص327) [↑](#footnote-ref-6)
7. البضاعة المزجاة (شرح كتاب الروضة من الكافي لابن قارياغدي) / ج‏1 / 212 / متن الحديث الرابع(وهي خطبة لأمير المؤمنين عليه السلام، وهي خطبة الوسيلة) ..... ص : 202

   أَلَا وَإِنِّي فِيكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ كَهَارُونَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ، وَكَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَكَسَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِ نُوحٍ، وَإِنِّي النَّبَأُ الْعَظِيمُ، وَالصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، وَعَنْ قَلِيلٍ سَتَعْلَمُونَ مَا تُوعَدُونَ، وَهَلْ هِيَ إِلَّا كَلُعْقَةِ الآْكِلِ، وَمَذْقَةِ الشَّارِبِ، وَخَفْقَةِ الْوَسْنَانِ، ثُمَّ تُلْزِمُهُمُ الْمَعَرَّاتُ جَزَاءً فِي الدُّنْيَا، وَيَوْمَ الْقِيامَةِ يُرَدُّونَ إِلى‏ أَشَدِّ الْعَذابِ، وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ، فَمَا جَزَاءُ مَنْ تَنَكَّبَ مَحَجَّتَهُ، وَأَنْكَرَ حُجَّتَهُ، وَخَالَفَ هُدَاتَهُ، وَحَادَ عَنْ نُورِهِ، وَاقْتَحَمَ فِي ظُلَمِهِ، وَاسْتَبْدَلَ بِالْمَاءِ السَّرَابَ، وَبِالنَّعِيمِ الْعَذَابَ، وَبِالْفَوْزِ الشَّقَاءَ، وَبِالسَّرَّاءِ الضَّرَّاءَ، وَبِالسَّعَةِ الضَّنْكَ‏، إِلَّا جَزَاءُ اقْتِرَافِهِ، وَسُوءُ خِلَافِهِ. [↑](#footnote-ref-7)
8. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-8)
9. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-9)
10. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-10)
11. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-11)
12. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-12)
13. ابن‏عباس، عبدالله بن عباس، غريب القرآن فى شعر العرب، 1جلد، مؤسسة الكتب الثقافية - لبنان - بيروت، چاپ: 1، 1413 ه.ق. [↑](#footnote-ref-13)